انقلاب را آگاهانه پاس داریم: امام (ره) متجدد بود

پرهام، مهدی

1-فراز و فرود انقلاب

بیش از ربع قرن است که در فراز و نشیب انقلابیم و دوران پرشور و گاه تلخی را گذرانده‏ایم.امثال نگارنده که با دقت از ابتدای انقلاب‏ در سنین پختگی ناظر آغاز و هیجان حرکت‏ها بوده‏ایم،نمی‏توانیم تأثر و افسردگی خود را پنهان نماییم-به خصوص هنگامی که بر اثر ندانم کاری‏های دست‏اندرکاران-امام(ره)از فرط یاس بالاجبار به‏ پذیرشی تن داده بود که برایش چون نوشیدن جام زهر بوده است. شنیدن صدای محزون او و نقل آن از رادیو را ممکن نبود کسی بشنود و با تمام وجود فریاد نکشد.من آن‏چنان برآشفته شده بودم که کتاب‏ در دستم را در اتاق نشیمن به طرفی پرتاب کردم که در طاقچه‏ی‏ مقابل به گلدانی اصابت کرد و آن را شکست.مردی به معنی کلمه‏ مبارز که از بالای منبر به محمد رضا شاه خطاب کرده بود:کاری نکن‏ که مثل پدرت بگویم از مملکت بیرونت کنند،و به وکلای مجلس که‏ در اوایل انقلاب با هم گلاویز شده بودند،در یکی از سخنرانی‏های‏ جماران با عتاب به آن‏ها گفته بود:مگر ارث پدرتان را از این مردم‏ می‏خواهید که این‏طور با هم دست به گریبان می‏شوید؟-پس از آن، دیگر نزاکت در مجلس برقرار گردید-حالا این مرد با این جربزه و شخصیت باید از ندانم کاری‏های مشتی سربه‏هوا جام زهر بنوشد و همان‏طور که سقراط جام شوکران نوشید،قربانی جهل گردد.

البته حادثات همه این‏گونه غم‏بار نبوده،شادی فتح خرمشهر هم‏ وجود داشت،ولی متاسفانه افکار و اندیشه‏هایی آگاه که بتواند با فرهنگی گسترش‏یافته،انقلاب را جهت دهد در اقلیت محض بود و اگر هم بود مورد قبول تندروانی که بعضی آموزش متوسطه را هم‏ ندیده بودند،واقع نمی‏شد.مشتی جوان احساساتی و عده‏یی شمردل‏ که لذت غارت و تجاوز را چشیده بودند با رندی و مهارت خود را میان‏ انقلابی‏های واقعی بر زده بودند و چون جنون کشتن و ویرانگری به حدّ اعلا داشتند،به سرعت جوانان واقعی انقلاب را کنار می‏زدند و خود مرکزیثت می‏یافتند.این عده،با جمعی بازاری‏های نمونه‏ی خودشان، (نه تجار متدین و شناخته شده‏ی قدیمی که صاحب حجره و عنوان‏ بودند)،هم‏پیمان شدند و هسته‏ی عاملان قاچاق امروز را تشکیل‏ دادند.برپاکنندگان فرودگاه پیام که اکنون تحت پیگرد قانونی هستند، از همین‏ها به وجود آمده‏اند.

2-دولت مهندس بازرگان

دولت مهندس مهدی بازرگان که افرادش مثل خودش متدین ولی‏ حوزوی نبودند امکان نداشت پایدار بماند.شورای انقلاب در یک طرف،و طلاب در ارتباط با روحانیون نزدیک به امام(ره)در طرف‏ دیگر و آن عده از بازاریان کاسب‏کار که با آشوبگران حادثه‏جو اتحاد زیرزیر برقرار کرده بودند،همگی موانع بزرگی بر سر راه‏های سیاسی، اقتصادی بازرگان بودند.او فکر کرده بود که اگر عده‏یی از روحانیون‏ نزدیک امام(ره)را به کار دعوت کند،از مشکلات اطلاع پیدا می‏کنند و کمک حال می‏شوند،چند نفر از آن‏ها را به معاونت چند وزارتخانه‏ منصوب نمود،ولی نظر او تأیید نشد و هم‏چنان مشکلات بر جای بود.

بازرگانان در کنفرانس‏های هفتگی موانع و مشکلاتی که وجود داشت صادقانه با مردم در میان می‏گذاشت و با این‏که بسیاری از انتقادات او مربوط به شخص امام(ره)می‏شد ولی هیچ‏گاه امام‏ اعتراض یا اقدامی علیه او نمی‏نمود و در کمال آزادی حرف‏هایش را می‏زد.یک روز خیلی صریح گفت:ما در موضوعی تمام مشکلات را از سر راه برمیداریم و کار در حال انجام است که یک‏دفعه دست‏های‏ امام از پشت سر،درآن داخل می شود و آن‏چه کرده‏ایم مجمل می‏ماند -البته منظور از دست امام نزدیکان و اطرافیان ایشان بود،ولی هیچ‏گاه‏ امام(ره)نه در گفتار و نه در عمل کوچک‏ترین عکس العمل تندی‏ نشان نمی‏داد.

بازرگان یک‏دفعه دیگر خطاب به مردم گفت:ای مردم شما،وقتی‏ نام محمد بن عبد اللّه بر زبان می‏آید یک صلوات می‏فرستید ولی زمانی‏ که اسم امام(ره)برده می‏شود،سه صلوات ختم می‏کنید،آیا این‏ درست است؟باز کوچک‏ترین عکس العملی از امام(ره)نه دیده و نه‏ شنیده شد.هنگامی که بنی صدر رییس جمهوری شد،شادروان‏ احمد آقا را برای ریاست وزرایی در نظر گرفته بود،ولی هنگامی که نظر خود را به امام(ره)گفته بود،ایشان مخالفت نموده بودند،در هیچ‏ شأنی از شئون کاری که مربوط به عموم نمی‏شد انجامش را از مصادر امور نمی‏خواست.

3-ویژگی‏های امام(ره)

مرحوم دکتر رضا ثقفی،برادر زوجه‏ی مکرمه‏ی امام(ره)از دوستان صمیمی من بود و مگفت که امام سه ساعت بعد از نصف شب‏ از خواب بیدار می‏شود.ولی به قدری آرام وضو می‏گیرد و حرکت می‏کند که صدایی به گوش نمی‏رسد و تا سحرگاه که نماز صبح را به جای‏ می‏آورد تمام شب به نماز و تعقیبات آن مشغول است،سپس یک ساعت‏ می‏خوابد و بعد صبحانه صرف می‏نماید که عبارت است از چای با چند دانه‏ خرما ویک کف دست نان با پنیر.اما صرف ناهار و شام ایشان قابل‏ توجه است:بر سر سفره‏یی که می‏نشینند،آن‏چه در جلوی ایشان است‏ میل می‏کنند،هیچ‏گاه ممکن نیست دست دراز کنند و چیزی از وسط سفره بردارند،گاه ممکن است چیزی که ایشان علاقه دارند،وسط سفره‏ باشد،اگر توجه نشود و کنارشان نگذارند،میل نخواهند کرد،چرای این‏ حرکت پرسیدنی نیست،هر کس حرکات و روش‏هایی دارد که خاص خود اوست و ارتباطی با ضوابط عمومی ندارد.

امام(ره)در کارهای حوزویی هم انتخاب شخصی داشت- گرایش فلسفی که در حوزه کراهت دارد برای امام(ره)نداشت.به‏ فلسفه،رغبت داشت و فلسفه‏یی را برگزیده بود و تدریس می‏کرد که‏ اساس آن برتجدد و تغیر بود،آن هم تغیر در کوچک‏ترین ذرات جهان، که اصطلاح یونانی آن(اتم)وشرقی آن(جوهر)است.این اساس‏ فلسفه‏ی ملاصدرا یعنی حرکت جوهری‏ست.امام(ره)اسفار ملاصدرا را تریس می‏کرد و شاگردان بسیاری داشت من‏جمله‏ی‏ زنده یاد زریاب‏خویی که از اساتید برجسته‏ی دانشگاه گردید،من از او درباره‏ی تجددگرایی امام سخنان ارزنده‏یی شنیدم.روی‏آوری به درس‏ امام(ره)موجب برانگیختن عده‏یی متحجر حوزوی گردید و سرانجام‏ با فشار آن را تعطیل کردند،اما مرد روشنگرای شجاعی چون مرحوم‏ آقا شیخ عبد الکریم حائری که قیادت داشت،ایشان را با خود بر سر درس آورد و تدریس مجددا برقرار گردید.این حرکت‏های کوته‏نگری‏ همیشه از سوی خرافه‏پرستان نزدیک‏بین انجام می شود،هم‏چنان که‏ در برنامه‏ی ورودی امام(ره)از فرانسه به ایران انجام شد.طبق‏ برنامه‏یی که قبلا در روزنامه‏ها اعلام گردیده بود ایشان می‏بایست به‏ محض ورود به دانشگاه می‏رفتند وسپس به‏ مدرسه علوی وارد می‏شدند،اما همین که ایشان‏ از هواپیما پایین آمدند و در اتومبیل جای گرفتند، ماشین به طرف قبرستان بهشت‏زهرا حرکت‏ کرد،این دخالت‏های عوام‏فریبانه تا آخرین‏ روزهای حیات آن بزرگوار ادامه داسشت.

این نکته را هم باید به خوانندگان‏ فرهیخته‏ی ماهنامه‏ی حافظ اضافه کنم که‏ برادر خانم امام(ره)یعنی مرحوم دکتر ثقفی به‏ من گفت که پدر او مرحوم حاج میرزا محمد ثقفی‏ (پدر خانم امام)،طرفدارجدّی سعدی بود،ولی‏ امام(ره)طرفدار جدّی حافظ بود و به حافظ عشق می‏ورزید و این هم نشانه‏یی دیگر از متجدد بودن امام(ره)است.

4-تداوم انقلاب

انتخاب مرحوم مهندس بازرگان به سمت نخست‏وزیری به جای‏ یکی از روحانیون دانشگاهی که وجود داشت،حتا انتخاب بعدی‏ بنی‏صدر،نیز به خاطر همین تجددگرایی ذاتی امام(ره)بود-اما شادروان مهندس بازرگان که مردی شریف،درستکار و متجدد بود- آن کسی نبود که در یک انقلاب بتواند هماوردی نماید و آن‏جایی که‏ باید نه بگوید،بگوید و با قدرت در مقابل ابن الوقت‏های قسی القلبی که‏ اشاره کردیم و مرتکب کشت‏وکشتار شدند بایستد،و در نتیجه مجبور شد کنار برود.آن‏چه وضع را داشت به وخامت می‏کشانید،عدم درک‏ و ندانستن معنای اصل اساسی تداوم انقلاب بود که تعبیر به ادامه‏ی‏ اعدام‏های خیابانی و برپایی دادگاه‏های انقلاب شده بود،انقلاب‏ حرکت خودجوش جامعه‏یی‏ست که در آن قانون فلج و اجرای عدالت‏ متوقف و هرج‏ومرج‏های امنیت همه‏ی شئون را گرفته باشد و تجاوز به اموال و نوامیس مردم بی‏رادع و مانع صورت گیرد و مرجع شکایتی‏ هم وجود نداشته باشد،این‏جاست که مردم به جای قوای سه‏گانه‏ی‏ اجرایی،مقننه و قضایی خودشان عمل می‏کنند.اما فرهنگ غربی از مطالعه‏ی انقلاب‏های جهان و جریان پیدایش و رفع آن‏ها به یک‏ نتیجه‏ی علمی و تکاملی رسید و آن،این‏که اگر انقلاب با هوشیاری‏ به رفاه منتهی شد،می‏توان آن را به طریقی هگلی ادامه داد و به رفاه‏ بیش‏تر رسید.اما در این انقلاب دوم از کشت‏وکشتار و نابودی‏ انسان‏ها،زجر و شکنجه‏ی آن‏ها خبری نیست،بلکه رفاه و فرهنگی‏ بالاتر نصیب بشریت خواهد گردید.این تحول را ضروری دانست و همین‏که به نتیجه‏ی بهتر رسید باز تحول سومی برای از این‏ بهتر شدن اندیشیده می‏شود و تا بی‏نهایت ادامه می‏یابد-این تحول‏ دیالکتیکی را ادامه‏ی انقلاب اولی دانسته‏اند که باید ادامه یابد.آن‏وقت‏ ما از این حرکت علمی چنین نتیجه گرفتیم که دادگاه‏های انقلاب را باید ادامه داد و اعدام‏های خیابانی را گاه‏گاهی،برای عبرت مردم اجرا کرد.

من همان موقع طی مقاله‏یی این مطلب را توضیح دادم ولی ماه‏ها دادگاه‏ها بر جای بود تا بالاخره برچیده شد.چنین اشتباهی را قبلا مائوتسه‏تونگ رهبر چین به نوعی دیگر کرده بود،به نظرش رسیده بود مثل این‏که انقلاب را مردم از یاد برده‏اند و باید دوباره به یادشان آورد. این بود که فرمان انقلاب فرهنگی را صادر کرد و عده‏یی را به علت دور شدن از مردم و با دم و دستگاه‏ اعیانی زیستن به محاکمه و حبس کشید و مردم‏ بالاجبار ادای فقر و مسکنت را در می‏آوردند،همان‏ موقع طی مقاله‏یی نوشتم که مائو حرکتی‏ خودجوش را که ضرورت آن را مردم باید احساس‏ نمایند خود از طرف آن‏ها حس کرده است و این‏ ادایی‏ست که تاریخ آن را نخواهد پذیرفت.بعد از فوت مائو،جانشین او هیاتی را مامور مطالعه‏ی‏ بازتاب این فرمان نمود،پس از یک سال گزارشی داد که محتوای آن جز ضرر و زیان نبود.هم‏اکنون در میان گرفتاری‏های خارج و مساله‏ی غنی‏سازی‏ اورانیوم و بازتاب‏گرانی نفت و درآمد بالای ارزی و گرانی روزبه‏روز اجناس،نغمه‏ی تازه‏یی ساز شده که نمونه‏ی عدم‏ درک تکامل و ناشناختی عامل زمان و هم عدم شناسایی شخصیت‏ تجدد طلب امام(ره) است.امام(ره) جمهوریت را چون فتوایی برای‏ اداره‏ی مملکت اعلام نمود،حالا این فتوا که مردم را به حساب می‏آورد و جمعیت را در مقابل فردیت سلطنت قرار می‏دهد می‏گویند به‏ مشروعیت لطمه وارد آمده‏است!

این احتجاج ابتدایی در این زمان بهت آور است!آن هم در مورد مردی‏ بلند نظر که صریح اعلام می‏نماید که اگر زمان اقتضا کند در اوقات‏ شرعی نماز و روزه هم می‏توان تغییری که ضروری باشدانجامداد.این‏ پویایی تشیع و قدرت اجتهاد که رکود را حذف و حرکت را جانشین آن‏ می‏کند و این ضرب المثل معروف است:از تو حرکت و از خدا برکت. نمی‏شود فقط به شرع توسل جست و دهان باز کرد تا لقمه از آسماندر دهن فرو آید.اما آن‏چه پس از این سخن نابهنگام جامعه نشان داد. امید آفرین است،معلوم شد مردم حضور خود را در مندرجات روزنامه‏ها و مجلات اعلام نمودند،چون تمام مطبوعات و محافل و مجالس برین‏ نظر خرده گرفتند و تقبیح نمودند،این نشانه‏ی بیداری مردم و سپاس‏ آن‏هاست،امام(ره)هم گفته است:«میزان،رأی ملت است.»